



## علل و پیامدهای اجتماعی مهاجرت زنان<sup>۱</sup>

جواد سادتی<sup>۲</sup>

محبوبه علوی<sup>۳</sup>

### چکیده

در دنیای پیچیده امروز ما، مسائل جمعیتی به خصوص مسأله مهاجرت و به خصوص مهاجرت زنان و پیامدهای آن به صورت یک چالش اساسی درآمده که در شاخه‌های مختلف علوم (انسانی و تجربی) مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. از آنجا که ابعاد گوناگون این جریان، بخش‌های مختلف زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده، بررسی و کنکاش آن با دیدگاه‌های مختلف و روش‌های گوناگون به صورت یک ضرورت غیرقابل انکار درآمده است. در این پژوهش به بررسی علل و پیامدهای اجتماعی مهاجرت زنان می‌پردازیم که از جمله این پیامدها، تغییر سن ازدواج، سن باروری، تعداد فرزندان و... می‌باشد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** مهاجرت، زنان، علل، سیاست مهاجرتی، مهاجرت بین‌المللی.

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۱۴.

۲. دکتری جامعه‌المصطفی‌العالمیه / javadsadati۶۶@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه‌المصطفی‌العالمیه /

mahbobealavi@gmail.com

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین تحولات مهاجرتی در دهه‌های اخیر ورود بیش از پیش زنان در فرآیند مهاجرتی و افزایش مهاجرت زنان است که زنانه شدن مهاجرت نامیده می‌شود. در گذشته، مردان تأمین‌کننده درآمد و معاش خانواده بودند و در بیرون از منزل کار می‌کردند. زنان فقط درون منزل کار می‌کردند و وظیفه فرزندآوری و نگهداری از خانه را برعهده داشتند اما امروز زنان دیگر خود را به این وظایف سستی محدود نمی‌دانند و همین تغییرات در نگرش و دگرگونی در باورهای نسل جوان و در رابطه‌ها تعاریفشان از نقش زن در جامعه، افزایش توقعات و آرزوها و تمایلات اقتصادی و اجتماعی باعث شده است زنان و دختران برای دسترسی به موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی بالاتر، بیشتر تلاش کنند. علاوه بر تلاش برای تحرک اجتماعی، یکی از راهبردهای اساسی ایشان برای دستیابی به موقعیت بهتر، مهاجرت و تحرک مکانی بوده است.

لذا افزایش سطح تحصیلات و به تبع آن میل به تحرک اجتماعی در بین زنان منجر به تحرکات مکانی و مهاجرتی بیشتر آن‌ها شده است به طوری که سهم جمعیت زنان مهاجر در هر دو نوع مهاجرت داخلی و بین‌المللی افزایش چشمگیری یافته است. و زنان چه به صورت مستقل و چه با اعضای خانواده به مهاجرت روی می‌آورند. این پدیده نگرانی‌های عمده‌ای را درخصوص سیاست‌های اساسی در زمینه انطباق‌پذیری مهاجران زن در محیط شهری و امنیت و حقوق زنان در فرآیندهای مهاجرتی ایجاد کرده است لذا با توجه اینکه مهاجرت زنان، پدیده‌ای است که مسائل زیادی از قبیل ازدواج، باروری و... را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین در این مقاله تلاش شده است به بررسی علل و پیامدهای این پدیده مهم بپردازیم.

## ۱. مفهوم شناسی مهاجرت

مهاجرت: ترک کردن دوستان و خویشان و خارج شدن از نزد ایشان یا فرار از ولایتی به ولایت دیگر از ظلم و تعدی. بریدن از جایی به دوستی یا جایی دیگر.

ترک دیار گفتن و در مکان دیگر اقامت کردن.

مهاجرت کردن: هجرت کردن، کوچ کردن. (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۴/ ۲۱۸۶۲).

از جایی به جایی دیگر رفتن و در آنجا منزل کردن.

دوری کردن از شهر و دیار خود، از جایی به جای دیگر رفتن و در آنجا منزل کردن، دوری از شهر و دیار خود (عمید، ۱۳۸۹: ج ۱۷۶۴/۲) هجرت کردن، از جایی به جای دیگر رفتن و در آنجا مسکن گزیدن (معین، ۱۳۸۲: ج ۴/ ۳۲۵۸) به طور کلی واژه مهاجرت در مفهوم جابجایی و انتقال جمعیت در مکان و تحرک جغرافیایی جمعیت استفاده می‌شود و معنای خاص آن عبارت است از (نقل مکان انفرادی یا جمعی انسان‌ها یا تصمیم به تقدیر محل اقامت و کار به طور دائم و یا به مدت طولانی و بیش از یکسال). (تورمینایی، بی‌تا: ش ۱۴۵، ۵۱).

## ۲. تاریخچه مهاجرت

مهاجرت ریشه تاریخی دارد و به عنوان یک واقعه مهم در تاریخ ثبت شده است و اشکال گوناگونی دارد. بشر در طول تاریخ همواره در حال حرکت و جابه‌جایی بوده است. انسان‌های اولیه بنا به دلایلی از جمله بهبود بخشیدن به وضعیت زندگی، حس تنوع‌طلبی، اجبار عوامل سیاسی، امنیت و... به تغییر محل سکونت خود می‌پرداخته‌اند. از آنجایی که در گذشته جابه‌جایی انسان‌ها در مقیاس کوچکتری صورت می‌گرفت. تأثیر اینجا به جایی‌ها بر ساختار فرهنگی، اجتماعی و جمعیتی مناطق مهاجرپذیر چندان قابل ملاحظه نبوده است. از اوایل قرن ۱۹ مهاجرت به خصوص از روستا به شهر به عنوان یک پدیده مهم اجتماعی نمایان شد. مشکل غالب آن در سطح ملی بیشتر مهاجرت

از روستا به شهر است، این نوع از مهاجرت که به عنوان پدیده‌ای جمعیتی در سطح جهان مطرح شده، ناشی از عملکرد انقلاب صنعتی بوده است. در ایران مهاجرت از دوره صفویه و با دادن القاب به اصناف شهری و تحقیر جامعه‌ی روستایی آغاز شده و در دوره‌ی مشروطیت نمود بیشتری پیدا کرد. پس از کودتای ۱۲۹۹ و به دنبال تغییر حکومت و شروع مناسبات سرمایه‌داری در الگوی شهرها این پدیده در کشور تعمیم یافت. قبل از سال ۱۳۰۰ بیشتر جابه‌جایی جمعیتی مربوط به نقل و انتقال اقوام، ایلات و عشایر بوده است.

مهاجرت به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود:

- مهاجرت داخلی: که عبارت است از جابه‌جایی از یک منطقه در یک کشور به منطقه‌ی دیگر در همان کشور، مانند مهاجرت از روستا به شهر یا مهاجرت از یک استان به استان دیگر. این نوع از مهاجرت که به عنوان پدیده‌ی جمعیتی در سطح جهان مطرح است، ناشی از عملکرد انقلاب صنعتی بوده است. در دهه‌های اخیر، تفاوت سطح زندگی در شهر و روستا از یک سو و در پایتخت و نقاط دیگر از سوی دیگر، موجب مهاجرت گسترده از مناطق روستایی به شهرهای بزرگ و از استان‌های مختلف به پایتخت شده و در نتیجه باعث رشد بیش از حد جمعیت در شهرهای بزرگ شده است.

- مهاجرت بین‌المللی یا برون کوچی: به نقل مکان از یک کشور به کشور دیگر اطلاق می‌شود. مهاجرت بین‌المللی پدیده‌ای است که همواره در تاریخ بشر به وقوع پیوسته است. انسان‌ها به دلایل طبیعی، اقتصادی و اجتماعی از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر کوچ کرده‌اند، مثلاً مهاجرت اروپاییان به قاره آمریکا و مهاجرت افغان‌ها به ایران از مصداق‌های مهاجرت بین‌المللی می‌باشد. (امین، ۱۳۹۵: ۲۵).

### ۳. علل و عوامل مهاجرت زنان

در نظریه‌های کلاسیک مهاجرت به نقش جنسیت در مهاجرت کمتر اشاره شده است و اینگونه نظریه‌ها در تحلیل جنسیتی مهاجرت توانایی کمی دارند. علل و عوامل گوناگونی در ایجاد پدیده مهاجرت نقش دارند.

باتوجه به دست یافته‌های موجود با افزایش سن زنان هنگام مهاجرت، افزایش سطح تحصیلات زنان، افزایش میزان استقلال زنان و نقش آن‌ها در ساختار قدرت خانواده، نقش فعال زنان در فرآیند مهاجرت افزایش می‌یابد و در نتیجه در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی مشارکت فعال‌تری می‌کنند.

از دیگر علل مهاجرت، عوامل جاذبه مقصد و دافعۀ مبدا است که از این میان عوامل جاذبه مقصد تأثیر بیشتری در گرایش به مهاجرت داشته است. برای مردان عوامل اقتصادی مورد توجه است و برای زنان عوامل اجتماعی و فرهنگی جاذبه می‌آفرینند.

طبق تحقیقات به عمل آمده در رابطه با جنبه‌های مهاجرت داخلی زنان در ایران به این نتیجه رسیده‌اند که در ایران مهاجرت زنان بیشتر در دامنه سنی ۲۰-۲۹ سالگی رخ می‌دهد. کمترین سهم زنان در مهاجرت‌های شهر به روستا و بیشترین آن در مهاجرت‌های روستا به شهر است و زنان مهاجر از روستا به شهر، به غیر از عامل پیروی از خانوار، بیشتر برای تحصیل اقدام به مهاجرت می‌کنند.

تحقیقات نشان می‌دهد که دست یافتن به سطوح بالاتر تحصیل (به‌ویژه تحصیلات عالی) احتمال مهاجرت زنان را در مقایسه با مردان بالا می‌برد.

مطالعات کویلن نشان داد که افراد برای دستیابی به فرصت‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی و ازدواج مهاجرت می‌کنند به طور کلی مطالعات نشان می‌دهد که سن، تحصیل، وضع تأهل و عوامل فرهنگی همچون افزایش استقلال زنان و اشتغال از جمله متغیرهای تأثیرگذار در مهاجرت هستند در این بین، تحصیل عامل مهمی است که در بیشتر مطالعات به عنوان یک عامل

تعیین‌کننده بسیار مهم در مهاجرت زنان به آن اشاره شده است. (مشفق و خزائی، ۱۳۹۴: ش ۶۷، ۹۲).

بنابراین عوامل مؤثر بر مهاجرت را می‌توان به اختصار به شرح زیر بیان نمود:

عوامل اقتصادی، عوامل حرفه‌ای، عوامل اجتماعی، عوامل سیاسی، عوامل فرهنگی، عوامل عاطفی، خانوادگی، عوامل شغلی، عوامل و شرایط سازندگی، که در این میان در رابطه با مهاجرت زنان علل و عوامل اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی بیشتر به چشم می‌خورد - نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که مهاجرت زنان بیشتر جنبه تبعی دارد به این معنی که مهم‌ترین دلیلی که مردان برای مهاجرت ذکر می‌کنند یافتن کار است، برای زنان دلایل مهاجرت با مردان فرق دارد که این هم ناشی از قید و بندهای اجتماعی است که در راه تحرک و اشتغال ایشان وجود دارد، و هم به دلایل خانوادگی است که برای زنان اهمیت بیشتری دارد، به این معنی که وقتی مرد برای کار و درآمد بهتر راهی شهر می‌شود و مدت اقامت وی دائم یا حتی موقت است خانواده نیز از رئیس خانواده تبعیت می‌کند. بنابراین مهاجرت زنان بیشتر تبعی است. در سطح جهان نیز ماجرا به همین منوال است. (همایش ملی مهاجرت - نظم و امنیت، ۱۳۸۹: ۸۶).

در هند، مصر، سودان، ولتای علیا بیش از ۸۰٪ از مهاجرت زنان بخاطر ازدواج و سایر ملاحظات خانوادگی است. با این حال در کشورهای تایلند، نیکاراگوئه، بوتسوانا و مکزیک دلایل اقتصادی به اندازه دلایل خانوادگی اهمیت پیدا می‌کند. شواهدی که در مورد آفریقا در دست است نشان می‌دهد که زنان دلایل اقتصادی مهاجرت را کم جلوه می‌دهند تا با انتظارات جامعه همساز گردند. در آمریکای لاتین، آفریقای غربی و جنوب شرقی آسیا انگیزه اقتصادی در مهاجرت زنان اهمیت دارد. در ایران مطالعات پراکنده حاکی از مهاجرت زنان به دلایل اجتماعی بویژه خانوادگی (تبعی) است تا اقتصادی، طبق بررسی که به‌طور موردی از یک روستا صورت گرفته است از مجموع

مهاجرین ۱۵٪ مهاجرت دائمی داشته‌اند که از این مقدار ۷/۲٪ زنان ۷/۸٪ مردان است. انگیزه این نوع مهاجرت در ۹۱٪ مردان به دلیل اقتصادی و به دنبال موقعیت شغلی مناسب‌تر است در حالی که مهاجرت زنان تبعی است و عمدتاً بخاطر ازدواج و یا به نسبت پیوستن به شوهر و به خویشاوندان نزدیک صورت گرفته است. این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که افراد جوان و دختران محصل به مهاجرت چرخشی دست می‌زنند و برای ادامه تحصیل به شهرهای نزدیک و یا شهرهای بزرگ رهسپار می‌شوند.

البته اولویت دلایل اجتماعی زنان برای مهاجرت به معنی نفی انگیزه‌های اقتصادی نیست. زنان برای کسب درآمد در صورتی که امکان کار در روستاهای اطراف و یا شهرهای نزدیک باشد راهی آن مناطق می‌شوند. به عنوان مثال در روستای «ملومه» که منطقه‌ای کوهستانی است و در گیلان واقع شده زنان در فصل بیکاری در زمستان و پاییز به‌طور موقت به روستاهای اطراف می‌روند تا در پرتقال چینی و جمع‌آوری مرکبات برای کسب درآمد و تحصیل معاش شرکت نمایند. (صادق لو، ۱۳۹۳: ۶۷)

تادنی و تودارو در سال ۱۹۸۴ چهار نوع اصلی از مهاجرت زنان را با استفاده از معیار وضعیت تأهل و دلایل آن‌ها برای مهاجرت از همدیگر تفکیک کردند: ۱. زنان متأهلی که برای یافتن شغل مهاجرت می‌کنند ۲. زنان مجردی که برای یافتن شغل مهاجرت می‌کنند ۳. زنان مجردی که برای ازدواج مهاجرت می‌کنند ۴. زنان متأهلی که در یک مهاجرت جمعی بدون توجه به شغل مهاجرت می‌کنند.

یوتنگ در مورد انگیزه‌های جابه‌جایی مکانی زنان فرضیه «مهاجرت استراتژی دسترسی» را مطرح کرد. به نظر وی «دسترسی» یک پدیده جنسیتی است. تحرک مکانی و مهاجرت نوعی استراتژی شناخته شده برای «دسترسی» به امتیازات اجتماعی در بین زنان است. در مواقعی که زنان با محدودیت دسترسی مواجه‌اند جابه‌جایی و تغییر محل سکونت یکی از راهکارها است.

مهاجرت می‌تواند منبع استقلال، اعتماد به نفس بیشتر و پایگاه اجتماعی بالاتر برای زنان باشد. مهاجرت در روابط جنسیتی به‌خصوص نقش زنان در خانواده و اجتماع تأثیر می‌گذارد. مهاجرت در بسیاری از جنبه‌ها استقلال و قدرت زنان را تقویت می‌کند. طرفداران این دیدگاه، بر محدودیت تحرک زنان برای رفتن یا ماندن تأکید بسیاری دارند. با این حال، این نظریه‌پردازان مدعی - اند وجود مشکلات اقتصادی و اجتماعی زنان مهاجر دلیل بر مسئله بودن مهاجرت زنان نیست بلکه شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نابرابر است که مهاجرت زنان را به یک مسئله اجتماعی تبدیل کرده است.

کانت و راد کلیف چهار رویکرد نظری را برای تبیین مهاجرت زنان معرفی کرده‌اند این رویکردها شامل چهار دیدگاه تعادل نئوکلاسیک، رویکرد ساختاری، رویکرد رفتاری و رویکرد استراتژی‌های خانوار است. رویکرد تعامل نئوکلاسیک در تبیین حرکات مهاجرتی زنان به فرصت‌های شغلی اندک در جامعه روستایی و بازارهای کار شهری می‌پردازد. در این رویکرد فرض می‌شود که انگیزه‌های مهاجرت برای زنان و مردان یکسان است و زنان بیشتر برای بهبود شرایط مادی خود مهاجرت می‌کنند. رویکرد ساختاری بر تغییرات ساختاری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به عنوان تعیین‌کننده‌های مهاجرت زنان تأکید می‌کند. ساختار نابرابر جنسی که در آن به حقوق زنان توجهی نمی‌شود زمینه را برای مهاجرت زنان فراهم می‌کند.

در رویکرد رفتاری فرض بر این است که زنان و مردان تحت نفوذ ایدئولوژی‌ها و هنجارهای فرهنگی تعیین‌کننده نقش‌های جنسیتی به رفتار مهاجرتی می‌پردازد. در نهایت رویکرد استراتژی‌های خانوار بر این فرض استوار است که روابط قدرت و ساختارهای تصمیم‌گیری در خانواده، در مهاجرت زنان تأثیرگذار است. بر اساس این رویکرد معمولاً یکی از اعضای خانوار برای کار، مهاجرت می‌کند. در این موارد باتوجه به سلسله مراتب‌های اجتماعی - فرهنگی و ساختار قدرت در خانواده معمولاً زنان از مهاجرت منع می‌شوند. (مشفق و خزائی، ۱۳۹۴: ش ۶۷، ۹۲).



بنابراین از میان علل بسیاری که بر پدیده مهاجرت زنان تأثیر می‌گذارد به اختصار موارد زیر را یادآور می‌شویم:

### ۳-۱. فقر و نیازهای مالی

بینوایی و نیاز به حمایت خانواده در زنان نیز نظیر مردان از دلایل محکم مهاجرتی می‌باشد. در کنار این فقر که خود عامل دافعه از محیط می‌باشد وجود تقاضای کار با کلیشه‌های جنسیتی خاص زنان در مقاصد فضایی می‌تواند زمینه تقویت انگیزه مهاجرت زنان گردد.

### ۳-۲. تمایل به توسعه افق فکری و تجربی

تمایل به شکافتن مرزها و حصارهای زندگی، توسعه ادراک و آموزش سبب می‌شود که زنان در مقایسه با مردان از قدرت ریسک بیشتری برای مقابله با محدودیت‌ها برای دستیابی به آزادی باشند. در کنار این تمایلات، داشتن استقلال مالی و فرصت‌های کسب درآمد می‌تواند زنان را در برابر محدودیت‌های سنتی و حصول به تحرک قدرتمندتر سازد.

### ۳-۳. تحصیل و آموزش و فرار مغزها

با تغییر سیاست‌ها و شاخص‌های توسعه، ارتقاء سطح آموزشی و تحصیلاتی زنان به‌ویژه در نواحی روستایی یکی از مسائلی است که امروزه زمینه تشدید مهاجرت‌های زنان را فراهم کرده است.

### ۳-۴. کلیشه‌های جنسیتی اشتغال

جنسیت نقش مهمی را در تصمیم‌گیری برای اینکه چه نوع شغلی برای زنان و مردان مهاجر ایجاد شود دارد. تا زمانی که تقاضا برای کارگران مهاجر در کشورهای مقصد مبتنی بر بازار کار باشد فرصت‌های موجود برای زنان مهاجر شامل اشتغال در کارهای نیازمند به مهارت کم، و با قابلیت کنترل بالا خواهد بود. این دیدگاه و تقاضا خود سبب ترغیب زنان کم مهارت و غیر حرفه‌ای برای مهاجرت می‌گردد. مانند تقاضا برای مشاغلی نظیر خدمات نظافتی، خدمات هتل، پرستاری و ...

#### ۴. سیاست مهاجرتی کشورها

البته سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای مختلف نیز تا حدّ زیادی بر این مسأله تأثیرگذار است به عنوان مثال کشور آلمان نمونه یک کشور با قوانین و سیاست‌های مهاجرتی مرد محورانه است.

تمامی شیوه‌ها و راه‌های مهاجرت‌های قانونی برای کار نظیر اشتغال در پروژه‌های صنعتی، مهاجرت کارگران فصلی برای کشاورزی، و نظایر آن تحت تسلط مردان می‌باشد.

تلاش برای کسب بیشترین سود و کاهش هزینه‌های تولید شامل هزینه نیروی کار نیازمند حضور کارگران بیشتر بوده است که بخشی از آن را زنان تأمین می‌کرده‌اند. لذا لازم بود تا سیاست‌های مهاجرتی آزادی بیشتری را برای مهاجرت زنان به کشورهای سرمایه‌داری اعمال نماید.

#### ۵. ازدواج و وابستگی خانوادگی

بسیاری از مهاجرت‌های کشورهای توسعه نیافته همچنان زنان را در زمره پیوندها و وابستگی‌های خانوادگی ناشی از ازدواج و تبعیت از همسر وارد این تحرک می‌سازند. (صادق‌لو، ۱۳۹۳: ۹۸).

#### ۶. پیامدهای زنانه شدن مهاجرت بین‌المللی

درک پیچیدگی‌های جنسیت و مهاجرت می‌تواند در برنامه‌ها و سیاست‌هایی که موجب افزایش مزایا و کاهش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی برای زنان مهاجر که نیمی از جمعیت مهاجر جهانی را تشکیل می‌دهند، کاربرد داشته باشد. برای چنین درکی، تحلیل‌گران و کارشناسان نیاز به اطلاعات قابل اعتماد و دقیق برای تجزیه و تحلیل جنسیت در مهاجرت دارند. زنان مهاجر اغلب با موانعی مواجه می‌شوند که دسترسی آن‌ها را به خدمات محدود می‌کند؛ موانعی مانند نیاز به اطلاعات، خدمات متناسب با وضعیت فرهنگی، و سرپناه‌ها. آن‌ها ممکن است با انزوای اجتماعی مواجه شده و به نحوی از انحاء به فردی که از آن‌ها سوء استفاده می‌کند وابسته باشند. ممکن است از حقوق خود آگاه نبوده

و از مساعدت و حمایتی که در کشور مقصد ارائه می‌شود مطلع نباشند. بنابراین آن‌ها اغلب ناتوان از جستجوی حمایت رسمی بیرونی بوده یا از آن آکراه دارند. گاه ممکن است این وضعیت با ترس‌یابی اعتمادی نسبت به مسئولان قضایی کشور خود با ترس از زندان و استرداد بدتر شود. بنابراین ضروری است که با زنان مهاجر قربانی خشونت همانند قربانیان خشونت رفتار شود و خدمات و حمایت‌های ویژه در دسترس آن‌ها قرار گیرد. در مطالعه‌ای از طریق مصاحبه با زنان مهاجر در ایرلند نشان داده شده زنان کارگر مهاجر در بازار کار به دلایل قومی و نژادی نابرابری را تجربه کرده و غالباً در سطح کارگران کمتر ماهر با دستمزد پایین به کار گرفته می‌شوند. اگرچه زنان مهاجر ممکن است درآمد بیشتری نسبت به کشور خود داشته باشند اما در بخش‌هایی از بازار کار هستند که اتحادیه نداشته و تبعیض، استثمار، دستمزد پایین، انزوای اجتماعی و استرس را تجربه می‌کنند. همچنین مشکلات فرهنگی و زبانی به‌طور جدی مانع از تبادل اطلاعات می‌باشد.

زنان مهاجر باردار با چالش‌های دیگری روبرو هستند. به عنوان مثال بالای ۱۴۰۰۰۰ کارگر مهاجر زن نپالی در خاورمیانه وجود دارد که توسط هومز مطالعه شده‌اند و نشان داده شده که این زنان باردار معمولاً به خانه فرستاده شدند و باتوجه به قانون شهروندی نپال، کودکانی که از مادران نپالی به دنیا می‌آیند که پدران خارجی دارند نمی‌توانند ملیت نپالی دریافت کنند. علاوه بر این پس از بازگشت مادران در معرض آنگ و تهمت و بدنامی قرار گرفته و دسترسی کمتری به خدمات دارند. کودکان متولد شده از مادران مهاجر یا وضعیت غیر قانونی ممکن است نتوانند در کشورهای مقصد ثبت شوند.

البته برخی معتقدند مهاجرت می‌تواند استقلال، سرمایه انسانی، عزت نفس و توانمندی زن را در خانواده و جامعه بهبود بخشیده و هنجارهای سنتی را تغییر داده و آن‌ها را با هنجارهای اجتماعی عادلانه‌تر آشنا ساخته و حقوق زنان، دسترسی به منابع و فرصت‌های اقتصادی، شغلی و تحصیلی آن‌ها را بهبود بخشد. هنگامیکه زنان مهاجر به خانه و یا وطن خود بازمی‌گردند، اغلب

آن‌ها استقلال پیدا کرده، مهارت و تخصص کسب نموده‌اند. حتی زمانیکه زنان خودشان مهاجر نیستند، باز مهاجرت می‌تواند اثرات مثبت برای آن‌ها داشته باشد. مهاجرت می‌تواند عامل نفوذ و تغییر هنجارهای جنسیتی در خانواده و ایجاد برابری جنسیتی باشد. هنگامیکه زنان به عنوان همسران مردان مهاجر باقی می‌مانند اغلب آن‌ها کنترل امور و اختیارات خانواده خود را در دست می‌گیرند و به عنوان تصمیم گیرنده در امور مالی و انتخاب‌های خانواده عمل می‌کنند. اگرچه مهاجرت می‌تواند سودمند باشد و برای رفع بسیاری از محدودیت‌ها مثل هنجارهای اجتماعی و قوانین محدود، جنسیت و یا تبعیض نژادی، آسیب‌پذیری‌های جنسیتی خاص، فرصت‌ها و منابع محدود مفید واقع شود اما در عین حال چالش‌ها و آسیب‌هایی را نیز به همراه دارد.

بنابراین مهاجرت ممکن است آسیب‌پذیری را تشدید نماید از جمله از طریق سوء استفاده و قاچاق، به خصوص هنگامیکه مهاجران کمتر ماهر یا غیر ماهر و یا غیر قانونی هستند. مهاجران ممکن است در تلاش برای به رسمیت شناخته شدن اعتبار تخصص حرفه‌ای خود در خارج از کشور و برخی موانع فرهنگی، زبانی و نژادی و یا تبعیض مواجه شوند. موانع محدودیت‌های برای مهاجرت زنان بیشتر از مردان است. مهاجرت زنان پیش‌بینی و دورنمای غیر قابل انکار چالش‌هایی برای زنان و دختران است. اغلب مهاجرت باعث تشدید و سخت‌تر شدن شرایط و موقعیت زندگی و شرایط کار در کشور مقصد می‌شود. به عنوان مثال زنان بیشتر در معرض خطر سوء استفاده (جسمی، جنسی، کلامی) و بهره‌برداری جنسی قرار می‌گیرند. در بسیاری از کشورها اعمال قانونی هنجارهای حقوق بشری درخصوص بیگانگان بویژه مهاجرین خارج از ضابطه یعنی کسانی که بدون اجازه قانونی وارد شده با در کشور باقی مانده‌اند ناکافی با بسیار محدود است.

خصوصیت و خشونت علیه مهاجرین و سوء استفاده از آن‌ها در دهه اخیر بیش‌تر مورد توجه جهانیان قرار گرفته است اما فقدان استاد و کمبود منابع تحقیقی در این زمینه مانع از روشن شدن پاسخ این پرسش می‌شود که این

رشد تا چه حد در نتیجه افزایش میزان این بد رفتاری‌ها و تا چه حد تشکیل دهنده بخشی از پاسخ جامعه جهانی به افشای حقایق و گزارش‌دهی در این زمینه است. تحقیق، مستندسازی و تجزیه و تحلیل در زمینه نوع و میزان مشکلات حقوق بشری مهاجرین و راه‌حل‌های مؤثر برای آن‌ها بسیار اندک است. در رسانه‌ها، توسط سیاستمداران و در مباحث میان عامه مردم، مهاجرین به موضوعاتی نظیر قاچاق، اعتیاد، دزدی، ایدز و سایر مشکلات اجتماعی نسبت داده می‌شوند. مهاجرین خارج از ضابطه نیز به دلیل توصیفشان به عنوان مهاجرین غیر قانونی، مجرم شناخته می‌شوند و بدین ترتیب خارج از حوزه حمایتی قوانین قرار داده می‌شوند. امروزه نقض حقوق بشر مهاجرین آنچنان گسترده و فراگیر شده است که حقوق بشر مهاجرین را به یکی از عناصر تعریف مهاجرت بین‌المللی تبدیل کرده است. بنابراین لازم است اسناد بین‌المللی در حقوق بین‌الملل در رابطه با حقوق بشر مهاجرین مورد نقد و بررسی قرار گیرد. (سیفی، ۱۳۹۶: ش ۱۹، ۱۰۰)

خانواده به عنوان مهم‌ترین بنیاد اجتماعی نیز نسبتاً دستخوش این پدیده قرار می‌گیرد. رابطه زن و شوهر در کشورهای غربی همچنین در کانادا بر اصل تساوی کامل در همه چیز من جمله کار و کوشش و کشیدن بار زندگی به دوش هر دو استوار می‌باشد. این فرهنگ چنان ریشه دارد که اکثراً دیده می‌شود زن و شوهری به رستوران می‌روند و هرکس پول غذای مصرفی خود را شخصاً پرداخت می‌کند و این امر برای زن ایرانی که عادت به این فرهنگ ندارد سخت و ناگوار است.

مطابق قانون کانادا هر زن و شوهری پس از سپری شدن ۶ ماه از تاریخ ازدواج و یا حتی پس از شش ماه زندگی مشترک ولی بدون ازدواج رسمی نصف اموال مرد مال زن می‌باشد. و این قانون در مواردی باعث تحریص به تصاحب نصف اموال مرد از طرف زن خانه شده و مخصوصاً با ترغیب و ترخیص اطرافیان و با بی‌تجربگی خانم‌های تازه وارد باعث از هم پاشیدگی خانواده‌ها می‌گردد.

با بررسی‌های به عمل آمده در کشور مهاجرپذیر کانادا، یکی از معضلات خانواده‌های مهاجر، آمار وحشتناک طلاق در کشورهای غربی من جمله کانادا می‌باشد. (ایمانی، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

### نتیجه‌گیری

در گذشته این مردان بودند که به دنبال فرصت‌های شغلی و تحصیلی دست به مهاجرت می‌زدند و زنان بیشتر در قالب ازدواج و ملحق شدن به خانواده مهاجرت می‌کردند اما امروزه زنان علاوه بر دلایل اخیر به دنبال دسترسی به فرصت‌های شغلی و تحصیلی مهاجرت می‌کنند. بررسی‌ها حاکی از این امر است که سطوح و الگوهای مهاجرتی، جنسیت محور هستند. مردان و زنان به‌طور متفاوتی فرآیند مهاجرت را تجربه می‌کنند. زنان مؤلفه مهمی در فرآیند مهاجرت محسوب می‌شوند که می‌توانند در مراحل قبل حین و بعد از مهاجرت نقش و تأثیرگذاری مهمی داشته باشند. نسبت زنان در جمعیت‌های مهاجر افزایش یافته است. مهاجرت مستقل زنان پدیده‌ای نوظهور در فرآیندهای مهاجرتی در ایران است. در سال‌های اخیر نسبت زنانی که نقش فعالی در فرآیند مهاجرت داشته‌اند افزایش قابل توجهی داشته است. وضعیت تأهل اثر مثبت برای مردان و اثر منفی بر نقش فعال زنان در فرآیند مهاجرت داشته است. اشتغال به تحصیل افزایش سطح تحصیلات و استفاده از اینترنت اثرات مثبتی بر نقش فعال زنان در فرآیندهای مهاجرتی دارد.

باتوجه به بررسی به عمل آمده مهم‌ترین علت مهاجرت زنان دو عامل اساسی می‌باشد: یکی مهاجرت تبعی و دیگری کسب علم و تحصیل است زیرا بسیاری از دختران پس از اتمام دوره متوسطه و قبولی در کنکور آن هم در شهرهایی خارج از محل سکونت خود به مهاجرت به شهر محل تحصیل پرداخته و گاه‌ا‌گاه تحصیلات تکمیلی خود را نیز در شهر دیگری می‌گذرانند.

تحلیل‌های توصیفی نشان می‌دهد علت مهاجرت بسیاری از زنان با تحصیلات پایین جستجوی کار است. همچنین از نظر وضع تأهل زنان مطلقه و همسر فوت کرده بیش از سایر گروه‌ها مهاجرت می‌کنند.

تداوم مهاجرت زنان تحصیل کرده و متخصصین جوان به تهران و کلان شهرها نوعی عدم توازن در توزیع سرمایه انسانی بر حسب جنس را در کشور به وجود خواهد آورد و نقاط کمتر توسعه یافته از سرمایه انسانی زنان متخصص و تحصیل کرده خالی خواهد شد لذا برای جلوگیری از مشکلات ناشی از این امر پیشنهاد می‌شود برای زنان تحصیل کرده در محل سکونت آن‌ها فرصت‌های دسترسی بیشتری فراهم شود و از طرفی توجه به ملاحظات جنسیتی در برنامه‌های آمایش سرزمین و جمعیت امری ضروری است.

مهاجرت زنان بیکار با سرمایه انسانی پایین مطلقه و همسر مرده، آن‌ها را مستعد آسیب‌های اجتماعی، جذب در مشاغل غیر رسمی با حقوق و مزایای پایین و گرایش به رفتارهای پر خطر خواهد کرد. چنین زنانی با توجه به پایین بودن سطح توانمندی‌هایشان نیازمند خدمات حمایتی از سوی سازمان‌های مردم نهاد و دولتی هستند.

این مطالعه با روش توصیفی به بیان علل مهاجرت زنان و پیامدهای این پدیده پرداخت.

این بررسی نمی‌تواند ابعاد وسیع و گسترده مهاجرت زنان را به خوبی بازنمایی کند لذا این موضوع مستلزم تحقیقات کمی و کیفی وسیع‌تری است. امید است بتوان در پژوهش‌های پیش‌رو به بررسی آن جوانب مختلف پرداخت.

### فهرست منابع و مآخذ

۱. ایمانی، حسن و امین، (۱۳۹۰)، مروری بر نحوه مهاجرت و زندگی در کانادا و کشورهای غربی، بی‌جا: البرز فردانش.
۲. تورمینایی، ویدا، (بی‌تا)، مروری بر علل مهاجرت و پیامدهای آن، انتشارات زیتون، شماره ۱۴۵.
۳. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

۴. سیفی، آناهیتا، (۱۳۹۶)، علل و پیامدهای زنانه شدن مهاجرت بین‌المللی در پرتو امنیت انسانی با تأکید بر حقوق بین‌الملل، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، شماره نوزده، دوره هشتم.
۵. صادق‌لو، طاهره، (۱۳۹۳)، خلاصه مقالات همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۶. عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: اشجع.
۷. معین، محمد، (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی معین، تهران: زرین.
۸. مشفق، محمود و معصومه خزائی، (۱۳۹۴)، تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران، شماره ۶۷.
۹. نواختی، امین، (بی‌تا)، مهاجرت و نقش آن در دگرگونی و انسجام فرهنگی مناطق مهاجرپذیر.
۱۰. همایش ملی مهاجرت - نظم و امنیت، (۱۳۸۹)، مجموعه برگزیده مقالات اولین همایش ملی مهاجرت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.